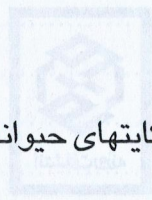


تهران: انتشارات آگه، ۱۳۸۵
 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۰-۰۰۰-۰۰۰
 قیمت: ۱۰۰۰۰ ریال
 (۱۳۸۵) (۱۳۸۵) (۱۳۸۵) (۱۳۸۵) (۱۳۸۵) (۱۳۸۵) (۱۳۸۵) (۱۳۸۵) (۱۳۸۵) (۱۳۸۵)
 (۱۳۸۵) (۱۳۸۵) (۱۳۸۵) (۱۳۸۵) (۱۳۸۵) (۱۳۸۵) (۱۳۸۵) (۱۳۸۵) (۱۳۸۵) (۱۳۸۵)
 (۱۳۸۵) (۱۳۸۵) (۱۳۸۵) (۱۳۸۵) (۱۳۸۵) (۱۳۸۵) (۱۳۸۵) (۱۳۸۵) (۱۳۸۵) (۱۳۸۵)
 (۱۳۸۵) (۱۳۸۵) (۱۳۸۵) (۱۳۸۵) (۱۳۸۵) (۱۳۸۵) (۱۳۸۵) (۱۳۸۵) (۱۳۸۵) (۱۳۸۵)

حکایتهای حیوانات در ادب فارسی

(بررسی حکایتهای حیوانات «فابلها» تا قرن دهم)

دکتر محمد تقوی



فهرست مطالب

مقدمه	پانزده
فصل اول: دربارهٔ داستان	۱
۱- ۱ داستان چیست؟	۱
۲- ۱ جایگاه داستان در زندگی بشر	۳
۳- ۱ داستان، افسانه، قصه، حکایت	۱۳
۴- ۱ طبقه بندی داستانها	۲۰
فصل دوم: انواع داستانهای فارسی	۲۵
۱- ۲ داستانهای اسطوره‌ای - حماسی	۲۵
۲- ۲ داستانهای دینی و مذهبی	۳۵
۳- ۲ داستانهای غنایی	۴۳
۴- ۲ داستانهای سرگرم کننده	۵۰
۵- ۲ داستانهای رمزی	۵۷
۶- ۲ داستانهای تعلیمی	۶۳
تعلیم ادبیات و ادبیات تعلیمی	۶۳
رابطهٔ ادبیات با آگاهی	۶۴
ادبیات، تقلید و سود و زیان آن	۶۶
کارکرد تعلیمی ادبیات	۶۸
صورت و معنی ادبیات	۶۹
روایت داستانی و تعلیم	۷۱
داستانهای مختلف فارسی از حیث آموزندگی	۷۲
فصل سوم: حکایت از زبان حیوانات	۸۱
۱- ۳ نامها، تعاریف	۸۱
۱- ۱- ۳ حکایت	۸۱

- ۸۳..... ۲-۱-۳ تمثیل و مثل
- ۸۳..... ۳-۱-۳ معنای لغوی و اصطلاحی مثل و تمثیل
- ۸۶..... ۴-۱-۳ انواع امثال و تمثیلهای داستانی
- ۹۰..... ۵-۱-۳ الگوری
- ۹۲..... ۶-۱-۳ فابل
- ۹۴..... ۷-۱-۳ پارابل
- ۹۸..... ۲-۳ تاریخچه حکایتهای حیوانات
- ۹۸..... ۱-۲-۳ اشکال اساطیری
- ۱۰۱..... ۲-۲-۳ اشکال ادبی حکایتهای حیوانات
- ۱۰۶..... ۳-۲-۳ یونان (غرب) و افسانه‌های ازوپ
- ۱۱۱..... ۴-۲-۳ هندوستان (شرق) داستانهای بیدپای
- ۱۱۹..... ۳-۳ ویژگیهای حکایتهای حیوانات و متون زبان فارسی
- ۱۲۰..... ۱-۳-۳ ساختار حکایتها
- ۱۳۰..... ۲-۳-۳ شخصیتها و اعمال آنها
- ۱۳۱..... ۳-۳-۳ حوادث
- ۱۳۲..... ۴-۳-۳ موضوع یا مضمون حکایتها
- ۱۳۵..... فصل چهارم: بررسی حکایتها با توجه به مضامین آنها
- ۱۳۹..... ۱-۴ مکر و فایده / زیان آن
- ۱۴۰..... ۱-۱-۴ حکایت زاغ و مار
- ۱۴۲..... ۲-۱-۴ حکایت خرگوش و شیر
- ۱۴۳..... ۳-۱-۴ حکایت سه ماهی
- ۱۴۴..... ۴-۱-۴ حکایت گرگ و روباه پیر
- ۱۴۵..... ۵-۱-۴ حکایت روباه و حمدونه
- ۱۴۶..... ۶-۱-۴ حکایت شغال خرسوار
- ۱۴۸..... ۷-۱-۴ حکایت موش و مار غاصب
- ۱۵۰..... ۸-۱-۴ حکایت روباه و خروس
- ۱۵۱..... ۹-۱-۴ حکایت موش خایه دزد با صاحبخانه
- ۱۵۳..... ۱۰-۱-۴ حکایت دو روباه و شیر

- ۱۵۵..... ۱۱-۱-۴ حکایت مار و شپکار کردن او
- ۱۵۶..... ۱۲-۱-۴ حکایت کبوتران و عقاب
- ۱۵۸..... ۱۳-۱-۴ حکایت شیر و بوزینه و سیاهگوش
- ۱۶۰..... ۱۴-۱-۴ حکایت زن و پلنگ
- ۱۶۲..... ۱۵-۱-۴ حکایت پیل مرده و شغال و شیر و حمدونه و...
- ۱۶۴..... ۱۶-۱-۴ حکایت ماهیخوار و خرچنگ و ماهیان
- ۱۶۶..... ۱۷-۱-۴ حکایت غوک و مار
- ۱۶۷..... ۱۸-۱-۴ حکایت شتریان با شتر
- ۱۶۹..... ۱۹-۱-۴ حکایت گرگ و شغال
- ۱۷۰..... ۲-۴ فایده حزم و زیان ترک آن
- ۱۷۱..... ۱-۲-۴ حکایت سه ماهی و صیادان
- ۱۷۳..... ۲-۲-۴ حکایت شاه پیلان و خرگوش
- ۱۷۵..... ۳-۲-۴ حکایت بوزینه و باخه
- ۱۷۷..... ۴-۲-۴ حکایت گربه و موش
- ۱۷۹..... ۵-۲-۴ حکایت شیر و شغال پرهیزکار
- ۱۸۱..... ۶-۲-۴ حکایت زیرک (سگ) و زروی (بزنر)
- ۱۸۳..... ۷-۲-۴ بیچه زاغ و خواستگاری بوم
- ۱۸۴..... ۸-۲-۴ حکایت مارگیر و مار
- ۱۸۶..... ۹-۲-۴ حکایت زاغ و مرغان و بوم
- ۱۸۸..... ۱۰-۲-۴ حکایت شیر گرگرفته و روباه و خر
- ۱۹۰..... ۱۱-۲-۴ حکایت کبک نر و ماده
- ۱۹۲..... ۱۲-۲-۴ حکایت دادمه و داستان
- ۱۹۵..... ۱۳-۲-۴ حکایت زغن ماهی خوار با ماهی
- ۱۹۶..... ۱۴-۲-۴ حکایت روباه و کلنگان
- ۱۹۷..... ۱۵-۲-۴ حکایت شیر و گرگ و روباه و...
- ۱۹۹..... ۱۶-۲-۴ حکایت سگ و گرگ
- ۲۰۱..... ۱۷-۲-۴ حکایت شیر و موشها و گربه
- ۲۰۲..... ۱۸-۲-۴ حکایت بلبل و مور

- ۳۴۷..... ۴-۱۶-۶ حکایت آهو در اصطبل خران
- ۳۴۷..... ۴-۱۶-۷ حکایت جفدان و باز
- ۳۴۸..... ۴-۱۶-۸ حکایت موش و شتر
- ۳۴۹..... ۴-۱۶-۹ حکایت کشتیبانی مگس
- ۳۵۰..... ۴-۱۶-۱۰ حکایت شغال و خم رنگ
- ۳۵۱..... ۴-۱۶-۱۱ حکایت شکایت استر به اشتر
- ۳۵۱..... (ب) نسبت روح با بدن
- ۳۵۱..... ۴-۱۶-۱۲ حکایت گرگ و روباه
- ۳۵۳..... ۴-۱۶-۱۳ حکایت حکیم هند و طوطی
- ۳۵۴..... ۴-۱۶-۱۴ حکایت موش و شتر
- ۳۵۶..... (ج) نسبت بنده و خداوند / عاشق و معشوق
- ۳۵۸..... ۴-۱۶-۱۵ حکایت پشه و باد و سلیمان
- ۳۵۸..... ۴-۱۶-۱۶ حکایت سار و درخت چنار
- ۳۵۸..... ۴-۱۶-۱۷ حکایت موش و چغز
- ۳۵۹..... ۴-۱۶-۱۸ حکایت شیر و نخجیران و خرگوش
- ۳۶۰..... ۴-۱۶-۱۹ حکایت خرگوش و شاه پیلان
- ۳۶۱..... ۴-۱۶-۲۰ حکایت اشتر و گاو و قوچ
- ۳۶۱..... ۴-۱۶-۲۱ حکایت مرد و اشتر
- ۳۶۲..... ۴-۱۶-۲۲ حکایت سگ و کلیچه و ماه
- ۳۶۳..... ۴-۱۶-۲۳ حکایت مگس و عسل خوردنش
- ۳۶۴..... ۴-۱۶-۲۴ حکایت دو روباه
- ۳۶۴..... ۴-۱۶-۲۵ داستان منطق الطیر
- ۳۶۷..... فصل پنجم: حاصل سخن
- ۳۶۸..... (الف) نکته‌هایی راجع به محتوای حکایتهای
- ۳۶۸..... دشمنی و جدال دائمی
- ۳۶۹..... برتری قدرت
- ۳۷۲..... برتری ذاتی برخی افراد / فاصله طبقاتی / جبر
- ۳۷۲..... توصیف زندگی شاهان

- ۳۷۴..... انتقادهای اجتماعی و سیاسی
- ۳۷۴..... حکایت موش و گربه عیب
- ۳۷۸..... (ب) نگاهی به ساختار حکایتهای / اصول مشترک / ریخت شناسی
- ۳۸۰..... حکایتهای مبتنی بر گفتگو
- حکایتهای دارای حادثه و عمل:
- ۳۸۱..... اصول مشترک: ۱- قاعده و نقض قاعده
- ۳۸۲..... ۲- تعادل و برهم خوردن تعادل
- ۳۸۳..... ۳- ساختار حکایت بر اساس قواعد نحوی زبان
- ۳۸۵..... ۴- اجزای طرح یا ریخت شناسی حکایتهای حیوانات
- شخصیتها و اوصاف و نقش آنها (نمادها)
- ۳۸۹..... جدول روایتهای مشابه
- ۳۹۳..... فهرست منابع و مآخذ

مقدمه

عرصه فرهنگ اسلامی - ایرانی و بویژه ادبیات فارسی، مرغزاری پرگل و ریحان است که آثار گوناگون آن چشم دل و مشام جان را می نوازد و ذهن و روان را مسرت و تازگی می بخشد. اقسام مختلف شعر و انواع داستان و حکایت و دیگر اشکال ادبی در زبان فارسی نمونه هایی پر بها دارند که در آنها ذوق و استعداد فارسی زبانان به ظهور رسیده است. گرچه گاهی این داستانها و حکایتها همچون بذرهایی از دیگر سرزمینها و زبانها وارد زبان فارسی شده اند، اما خوب به شکوفایی و بالندگی رسیده و به بار نشسته اند. در میان آثار متنوع ادبی در زبان فارسی داستانهای مختلف منظوم و منثور جایگاه ویژه ای دارند و در میان این داستانها، حکایتهای نقل شده از زبان حیوانات و تمثیلهای کوتاه و بلندی که در متون و آثار مختلف به اقتضای سخن نقل شده و گاه آنقدر رواج یافته که در افواه عوام جاری گشته و شکل ضرب المثل یافته، نمونه های برجسته ای دارد که گاه از طریق ترجمه آثار دیگر زبانها و گاه از فرهنگ شفاهی و مردمی به دست نویسندگان و شاعران صاحب ذوق لباس تدوین و تألیف بر تن کرده و به آثار ماندگاری بدل شده اند.

حکایتهای حیوانات از جمله انواع ادبی است که هم نزد عوام و هم نزد خواص اعتبار و رواج بسیار داشته و دارد. در اصل این حکایتها از ابزار بیان و گاه استدلال محسوب می شوند و از همین روست که از عارفان و فیلسوفان بزرگ گرفته تا معلمان اخلاق و مرییان اجتماع و دست اندرکاران حکومت و نظریه پردازان و منتقدان عرصه فرهنگ و سیاست برای القای مطالب و مسائل خود از این نوع داستان بهره گرفته اند. شاید بتوان گفت یکی از پرکاربردترین و پرشنونده ترین انواع داستانها همین حکایتهایی هستند که از زبان حیوانات نقل شده اند و امروزه نیز به اشکال دیگر عرضه و ارائه می شوند. از کودکان و عوام گرفته تا بزرگسالان و فرهیختگان همواره از شنیدن آنها لذت می برند. عوامل مختلفی باعث این اقبال عمومی به چنین حکایتهایی شده است. یکی از آن عوامل کوتاهی و سادگی این حکایتهاست. دیگری عام بودن پیام آنهاست. عامل دیگر آشنا بودن شخصیتها و رفتار آنها برای شنوندگان است و ... اغلب حکایتهای روایتی مشابهی در دیگر فرهنگها و زبانها دارند و این مسأله حاکی از این است که پیامها و محتوای این حکایتها جهانی است و برای تمام افراد و اشخاص قابل فهم و درک است. البته یادآوری این نکته نیز ضروری است که با توجه به پیامهای عام و همگانی گاهی

می‌توان از این حکایتهای برای اغراض خاصی بهره‌گرفت و بنوعی چیز دیگری را از آنها اراده کرد؛ از این رو مضمون یک حکایت بیشتر با توجه به غرض راوی معین می‌شود و همین مسأله باعث می‌شود که افراد مختلف به اقتضای سخن خود از آنها بهره‌بگیرند؛ یک نمونه از این حکایتهای که از آن تفاسیر مختلفی ارائه شده است. حکایت موش و شتر است که در چند متن با مضامین مختلف به کار رفته است.^۱ در اینجا به حکایتی اشاره می‌کنیم که راوی آن علاوه بر پیام عام و کلی یک معنی خاص و فردی نیز از آن اراده کرده است. در حکایتی که در میان عرب رایج است، چنین آمده که روزی کژدمی می‌خواهد از دجله عبور کند ولی نمی‌تواند. قورباغه‌ای را می‌بیند و از قورباغه می‌خواهد که او را از آب بگذراند. قورباغه درخواست عقرب را اجابت می‌کند، اما در اثنای آب عقرب او را نیش می‌زند و وقتی قورباغه اعتراض می‌کند که چرا چنین کردی، عقرب جواب می‌دهد: آخر ما در عراق هستیم. این حکایت را یک روزنامه‌نگار فرانسوی در کتابی با عنوان صد میلیون عرب^۲ جایی که از شخصیت صدام بحث می‌کند آورده است و در آن به دو نکته اساسی اشاره می‌کند یکی اینکه در عراق بعید نیست که کسی به دلیل شرارت حتی خود را به زحمت اندازد و دیگر اینکه بالاخص صدام چنین شخصیتی دارد.

در میان حکایتهای مورد بحث ما کمتر نمونه‌های این نوع برداشت را می‌یابیم یا دست کم برای خواننده امروزی نکته مستقیم و مشخص انتقادی کمتر آشکار است. این نوع برداشت از حکایت در زبان فارسی کمتر رواج داشته است و تنها نمونه‌ای که می‌توان آن را شاهدهی برای این نوع برداشت دانست، موش و گربه عبید زاکانی است.

انواع حکایتی که حیوانات در آنها شرکت دارند را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد. در دسته اول حیوانات تنها به گفتگو می‌پردازند و هیچ حادثه و عملی که خود حادثه‌ای را به دنبال داشته باشد در آنها وجود ندارد. این حکایتهای نیز خود دو گونه‌اند: در یک گروه گفتگوها به هیچ نتیجه اخلاقی و تعلیمی نمی‌انجامد و خود بحثها و سخنان موضوعیت دارد و در حقیقت نویسندگان و شاعران از شخصیت‌های حیوانی برای بیان افکار و نظریات خود استفاده کرده‌اند یا در تعابیر و تصاویری شاعرانه از زبان آنها نقل قول کرده‌اند. ضمن این گفتگوها گاهی نکته‌ها و انتقادهایی گنجانده شده که البته همواره به شکل منظره است و طرف مقابل نیز چیزهایی برای گفتن دارد. مانند مناظرات حیوانات در رسائل اخوان الصفا، مناظره حیوانات در طرب المجالس و مرغزار اثر وقار شیرازی یا گفتگوی پرندگان در منطق الطیر عطار و خاقانی و... به دلیل اینکه این

۱- ر.ک: پایان کتاب: جدول روایت‌های مشابه.

۲- تیری دزاردن؛ صد میلیون عرب؛ ترجمه حسین مهری، چاپ دوم، تهران: توس، ۱۳۵۷، ص ۲۲۰-۲۲۱.

گفتگوها در اصل به هیچ نتیجه اخلاقی نینجامیده است و تنها متکی بر جدل بوده، از آنها صرف نظر کرده‌ایم، اما نوع دوم حکایتهای که در آن گفتگوی شخصیتها نتیجه‌ای اخلاقی و عملی دربر دارد و راوی حکایت از آن برداشت اخلاقی و تربیتی داشته است مورد بحث واقع شده است. گروه دوم حکایتهایی هستند که در آنها حیوانات ضمن عمل و رفتاری حادثه آفرین، با زیر پا گذاشتن یک قاعده از پیش معلوم یا رعایت آن، نتیجه و پاداش عمل را می‌یابند و راوی با نقل سرگذشت حیوان و تمثیل به آن، به مخاطب راه و شیوه درست رفتار او را می‌آموزد. بیشتر حکایتهای مورد بحث ما در این دسته می‌گنجد. در این حکایتهای بیشتر از نحوه رفتار در برابر دیگران بویژه دشمنان سخن به میان می‌آید. در پیش گرفتن زندگی عاقلانه و هشدارهای مختلف در باب روابط با دیگران بویژه دشمنان و بیگانگان بیشترین مضامین را تشکیل می‌دهد. رذایل و فضایل اخلاقی نیز تا آنجا موضوع سخن بوده که در رفتارهای اجتماعی انعکاس یافته است. برای مثال وقتی طمع موجب گرفتاری و فریب خوردن است، مذموم است و زمانی که دروغ و تظاهر باعث رسوایی می‌شود ناپسند است، اما اگر دروغ به نجات از هلاک بینجامد مطلوب است و دروغگو ملامت نمی‌شود (مانند بسیاری از حکایتهایی که قهرمان در آنها با دروغگویی و تظاهر کردن به چیزی غیرواقع خود را از مهلکه نجات می‌دهد یا به طعمه دست می‌یابد).

سنت و شیوه پند به درباریان که از آغازین حکایتهای مورد توجه مؤلفان و راویان آنها بوده است، در تمام آثار داستانی بعد و ترجمه‌های مختلف کلیله و دمنه و تحریرهای مرزبان‌نامه و دیگر آثار همچنان حفظ شده است. از این رو بیشتر خطابها و پندها به مسائل مبتلا به دربار مربوط می‌شود و مخاطب آنها درباریان هستند. تاریخچه و سرگذشت آثار برجسته‌ای که به نقل و روایت حکایتهای حیوانات پرداخته‌اند (مانند کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه و جواهر الاسمار و...) حاکی از این است که درباریان بیش از دیگران طالب چنین داستان‌هایی بوده‌اند. سرگذشت داستانهای هندی نیز که منشأ اغلب آثار داستانی فارسی به شمار می‌روند، نشان می‌دهد که همواره مشوق اصلی تدوین و تألیف چنین حکایتهایی، شاهان و بزرگان دربار بوده‌اند.^۱

این حکایتهای سابقه‌ای در حدود سی قرن دارند و در آثار مختلف هند و یونان و ایران، نمونه‌هایی از آنها مربوط به بیش از دو هزار سال پیش موجود است. شاید بتوان گفت از قدیمترین انواع ادب هستند که هم در سخن عوام و هم در محفل خواص نقل و بازگو می‌شده‌اند و با اینکه از انواع کهن داستان و ادب به شمار می‌روند، هرگز از رواج و رونق

۱- ر.ک. فصل سوم، تاریخچه حکایتهای، ص ۱۱۵ به بعد.